|  |  |
| --- | --- |
| 1. عنوان محتوا: | My future job |
| 1. کلمه کلیدی اصلی | شغل |
| 1. کلمه کلیدی مرتبط | job |
| 1. خلاصه محتوا (50 تا 70 کلمه) | انشا در مورد شغل آینده |

1. My dream job – dress maker

For a few years I have been thinking about a job, which I would like to have in the future. One of the proposals is a job of a dressmaker. In this dissertation I am going to enunciate pluses and minuses of this profession.

First of all, in order to become a dressmaker it is necessary to graduate from high school in this profile and pass a professional exam. Then it is possible to get the rank of the journeyman or the champion. Afterwords, it is worth attending courses and institutes so as to develop tailor’s abilities. Trainees get to know new methods of the sewing and modern stitches.

How to become a good dressmaker? Women who want to do this job should be very accurate and creative. They must be open to offers of customers. Women ought to know a lot about fashion and offer good advice. Every dressmaker should be also patient.

What are advantages and disadvantages of this profession? This job is creative and helps to develop imagination. On the other hand, it is monotonous. Although this work isn’t time-consuming and is not a rat race, it may contribute to some health complaints. Through the long-standing work it is possible to damage the spine or the eyesight. However, a sewer can get hurt every day. This job develops interests and passions. But the disadvantage is that it requires constant, supplementary courses.

The decent dressmaker should use sewing machines of the best quality, different lengths of needles, as well as colour threads. Also, other important tools include: a measure, a chalk or soap and a pillow for needles.

How much does a dressmaker earn? In a private institution the payment amounts from 1200 to 1500 PLN. However, in a bigger enterprise, possibilities are greater and they earn there about 2000PLN.

When I was a small girl I created a lot of cloths for my dolls. My mother often helped me with them. She taught me to stitch which was a useful lesson of technology. My mother is an authority for me. She regularly sews a lot of cloths for me. A few months ago we created together a black, knee-length skirt. Last week we went to the shop of fabrics because we are going to sew a new skirt from netting.

In my opinion the job of a dressmaker has some pluses and minuses. At the moment I cannot decide what I will choose. But I think it is a good profession.

1. شغل آرزوهای من – طراح لباس

چند سالی است که من در مورد شغل مورد علاقه‌ام در آینده داشته باشم فکر می‌کنم. یکی از اهداف من شغل طراحی لباس است. در این انشا من قصد دارم مزایا و معایب این شغل را توضیح دهم.

اول از همه، برای تبدیل شدن به یک طراح لباس، لازم است که از دبیرستان فارغ التحصیل شوید و یک امتحان حرفه‌ای را با موفقیت بگذرانید. پس از گذراندن امتحان به شما عنوان شاگرد ماهر داده می‌شود. سپس باید دوره‌های تخصصی را در مؤسسات آموزشی بگذرانید تا مهارت لازم را به دست بیاورید. در این دوره‌ها کارآموزان با روش‌های جدید دوختن و همچنین دوخت مدرن آشنا می‌شوند.

اما چگونه می‌توان به یک طراح لباس خوب تبدیل شد؟ زنانی که می‌خواهند این کار را انجام دهند باید بسیار دقیق و خلاق باشند. ذهن آن‌ها باید برای پیشنهادات مشتریان باز باشد. زنان باید درباره مد بسیار بدانند و توصیه‌های خوبی ارائه دهند. یک طراح لباس همچنین باید صبور نیز باشد.

مزایا و معایب این شغل چیست؟ این شغل سرشار خلاقیت است و به تخیل کمک می‌کند. از سوی دیگر، آن خسته کننده است. هرچند این شغل وقت‌گیر نیست اما ممکن است موجب برخی مشکلات سلامتی شود. ساعت‌های کار طولانی به صورت ایستاده می‌تواند به ستون فقرات آسیب بزند و یا موجب مشکلات بینایی شود. هرچند یک خیاط می‌تواند هر روز آسیب ببینید. این شغل علایق و همچنین احساسات را نمود می‌دهد اما معایب آن این است که به دوره‌های مداوم و پیوسته احتیاج دارد.

یک طراح لباس حرفه‌ای باید از چرخ خیاطی با کیفیت بالا، سوزن‌هایی با طول متفاوت و همچنین رنگ‌های مختلف استفاده کند. همچنین ابزار مهم دیگری شامل: متر، گچ یا صابون و یک بالش برای سوزن‌ها استفاده کند.

درآمد یک طراح لباس چقدر است؟ در مؤسسات خصوصی مقدار حقوق پرداختی می‌تواند 1200 الی 1500 دلار برای هر طراحی باشد. هرچند در شرکت‌های بزرگ‌تر امکانات بیشتر است و طراحان لباس می‌توانند تا 2000 دلار برای هر طراحی دستمزد دریافت کنند.

زمانی که یک دختر کوچک بودم، لباس‌های زیادی برای عروسک‌هایم درست می‌کردم. گاهی وقت‌ها مادرم در درست کردن آن‌ها به من کمک می‌کرد. مادرم به من کوک زدن را آموخت که یک درس مفید از تکنولوژی بود. مادرم برای من نمایانگر اقتدار است. او معمولاً برای من لباس‌های زیادی می‌دوخت. چند ماه قبل ما با هم یک دامن مشکی میدی با هم دوختیم. هفته گذشته ما به فروشگاه پارچه رفتیم، زیرا ما قصد داریم دامن جدیدی را از روی الگوهای اینترنت بدوزیم.

به نظر من شغل طراحی لباس معایب و مزایایی دارد. من در حال حاضر نمی‌توان تصمیم بگیرم که این شغل را انتخاب کنم یا نه ولی فکر می‌کنم طراحی لباس یک حرفه‌ی خوب است.

2. My future career - Owing clothing company

As I imagine my future career, I imagine myself owning a business. My future business will be a trendy fashion clothing company and I will be the owner of the clothing company called Dasoulz. There will be about 3 employees working during the week and 4 on the weekends. One will be a cashier throughout the shift and helping putting back unwanted items where they belong; while the other two will be folding or hanging clothes and helping out our customers. Dasoulz is a very friendly, helpful and trendy company, where we care and treat our employees like family and we also understand our customers like friends. There will be one manager on duty to keep the store in control and to do all inventor paper works at the end of the day. I know as the owner I will dealing with a lot of elements from the organizational behavior book. Task is a concept that is very important, if they are not follow then we will have an unorganized company. Task means believing and understanding in the company’s mission and goals. I want my employees to enjoy what they’re doing and to trust in the mission and goals of the company. Which our mission is to help every customer feeling more beautiful, vibrant about themselves. The goal of the company is to increase revenue and customers. By following the tasks every day at work, it will provide a positive working flow and high sales.

I have often heard that a satisfying career is the key to a happy an fulfilled life since it enables an individual to achieve a feeling of well-being, on an economic, social, and psychological level. While, no doubt, there is a great deal of merit in the preceding observation, I personally believe that an equally important benefit lies in the very act of seeking to build a satisfying career. The basis of my belief stems from the fact that working towards obtaining career satisfaction helps a person realize her or his fullest potential by virtue of taking on the toughest of challenges and dreaming the biggest of dreams. Indeed, with the right kind of mind-set the sky can well prove to be the limit for an individual’s personal and professional aspirations. However, as I will attempt to demonstrate in this paper, building a satisfying career requires ambition, planning, and the foundation of a good college education.

2. شغل آینده من – صاحب یک فروشگاه بزرگ لباس

وقتی که من شغل آینده خودم را تصور می‌کنم، خودم را صاحب یک کسب و کار می‌بینم. کسب و کار آینده من یک شرکت مد لباس خواهد بود و من صاحب این شرکت که نامش داسولز است می‌شوم. 3 کارمند در طول هفته و 4 کارمند آخر هفته‌ها در این شرکت کار می‌کنند. یک نفر صندوق‌دار است که هم زمان کمک می‌کند تا لباس‌هایی که خواسته نشده‌اند سر جایشان برگردند و دو نفر هم در انتخاب لباس به مشتریان کمک می‌کنند. داسولز یک شرکت با فضای دوستانه از لباس‌های مد روز است، جایی که ما کارمندان را مانند عضوی از خانواده‌مان و مشتریان را مانند دوستانمان می‌بینیم. یکی از مدیران وظیفه دارد که فروشگاه را کنترل کنند تا تمامی عوامل در طول روز درست کار کنند. من به عنوان مالک می‌دانم که با عناصر بسیاری از کتاب رفتار سازمانی برخورد خواهم کرد. وظیفه یک مفهوم است که بسیار مهم است، اگر آن‌ها پیروی نکنند، ما یک شرکت غیر سازمان یافته خواهیم داشت. من می‌خواهم کارکنان من از آنچه که انجام می‌دهند لذت ببرند و به مأموریت و اهداف شرکت اعتماد کنند. وظیفه‌ی هر یک از ما این است که به هر مشتری کمک کنیم احساس زیبایی و طراوت بیشتری داشته باشد. هدف این شرکت افزایش درآمد و بیشتر شدن مشتریان است. با پیروی از وظایف هر روز در محل کار، یک جریان کاری مثبت و فروش بالا ارائه می‌شود.

من اغلب شنیده‌ام که یک حرفه رضایت بخش، کلید زندگی یک زندگی شاد و پربار است؛ زیرا این فرد را قادر می‌سازد تا در یک سطح اقتصادی، اجتماعی و روانی یک احساس خوب به دست آورد. در حقیقت شکی نیست مواردی که گفته شد نیاز به شایستگی دارند، من به شخصه باور دارم یک مزیت به همان اندازه مهم احساس رضایتی است که از دنبال کردن شغل مورد علاقه به وجود می‌آید. مبنای اعتقاد من این است که کار برای به دست آوردن رضایت شغلی به یک فرد کمک می‌کند تا توانایی بالقوه خود را با در نظر گرفتن سخت ترین چالش ها و بزرگترین رویاها به رسمیت بشناسد. در حقیقت، با توجه به نوع خاصی از ذهن، سرنوشت می‌تواند به عنوان محدودیتی برای آرمان‌های فردی و حرفه‌ای فرد باشد. با این حال، ایجاد یک شغل رضایت بخش نیاز به جاه طلبی، برنامه ریزی و پایه گذاری یک آموزش خوب در دانشگاه دارد.

3. My dream job - actress

I have always been interested in theater. When I was a child, I used to recite poems on my kitchen table. I was probably four years old. My mom discovered that I was quite good at it. When I was five I learnt to read. I started to learn all children poems by heart. I still remember some of them.

When I was nine years old, I fell in love with music. I used to sing and dance. I loved it. I wanted to sing all the time and everywhere. That was my biggest dream: to become a singer.

But then, things changed. I went to middle school and I was ashamed of my voice. I thought that it sounded like cockcrow.

But I fell in love with poetry. I started to take part in recitation competitions. And sometimes I was successful. That gave me power to work harder.

Now my biggest dream is to become an actress.

I know that it is a very difficult profession. If you want to be successful, you have to work really hard. You have to be the best. You always have to win. But the prize is bigger than you think. It is fame, money and fans. And that is the next difficulty. You are not the only one. Everyone wants to be someone special, someone who is over others.

And I ask myself every day: "Do I want to be one of them"?

Acting is a profession for arrogant people. And that is true. Everyone knows about it. So why do I want to be an actress so badly? Do I want to change myself?

No.

There are other reasons. Acting gives me something special. I can’t explain it clearly. When I am on stage, nothing else matters. There is only me.

It gives you incredible possibilities. You can be whoever you want to be. If you impersonate a princess, you can feel like a princess. If you play the part of a witch, you can feel like a witch.

There are no limits. When you perform on a stage, you can do things that are not possible on a daily basis. On a stage you can be abnormal, but nobody will notice. You can be loud, you can scream, you can jump all over the floor. Everyone would look at you like you were crazy, if you did so on the street. But this is normal on a stage. Characters become part of you. And this is what I love. This is my passion. And I want it to be a part of my life.

3. شغل رؤیایی من – بازیگری

من همیشه به تئاتر علاقه داشته‌ام. زمانی که یک کودک بودم، عادت داشتم شعرهایم را روی میز آشپزخانه بخوانم. آن زمان چهار ساله بودم. مادرم متوجه شد که من در زمینه تئاتر استعداد دارم. زمانی که 5 سالم بود یاد گرفتم بخوانم. با علاقه شروع به یادگیری شعرهای کودکان کردم. هنوز هم برخی از آن‌ها را به خاطر دارم.

زمانی که 9 سالم بود، عاشق موسیقی شدم. عادت داشتم بخوانم و برقصم. عاشق این کار بودم. دوست داشتم همه جا و در هر زمانی بخوانم. این بزرگترین رؤیای من بود که یک خواننده شوم. اما پس از مدتی همه چیز تغییر کرد. من به دبیرستان رفتم و از صدای خودم خجالت می‌کشیدم. فکر می‌کرد که شبیه صدای خروس است. اما عاشق شعر بودم. شروع به شرکت در مسابقات دکلمه کردم. و بعضی وقت‌ها هم موفق می‌شدم. این به من قدرت داد تا سخت‌تر کار کنم. حالا بزرگ‌ترین رؤیای من این است که بازیگر شوم.

من می‌دانم که بازیگری شغل سختی است. اگر بخواهی موفق شوی باید واقعاً سخت کار کنی. مجبور هستی که بهترین باشی. همیشه باید برنده باشی. اما جایزه بزرگ‌تر از چیزی است که فکر می‌کنی. پول، شهرت و طرفداران زیادی خواهی داشت. این دومین کار سخت است. تو تنها نیستی. هر کسی دوست دارد که خاص باشد، کسی از بقیه بهتر است.

هر روز از خودم این سؤال را می‌پرسم: دوست داری کدام یک باشی؟

بازیگری شغل افراد مغرور است و این یک حقیقت که همه آن را می‌دانند. پس من چرا می‌خواهم بازیگر شوم؟ آیا می‌خواهم خودم را تغییر دهم؟ نه.

دلایل دیگری وجود دارد. بازیگری به من چیز خاصی می‌دهد که نمی‌توانم آن را به روشنی بیان کنم. وقتی روی استیج هستم، هیچ چیزی برایم مهم نیست و فقط من هستم. این به شما امکاناتی باور نکردنی می‌دهد. شما می‌توانید هر کس که بخواهید باشید. اگر نقش یک پرنسس را بازی کنید می‌توانید مانند یک پرنسس احساس کنید. اگر نقش یک بازیگر را بازی کنید می‌توانید احساسات یک بازیگر را درک کنید. هیچ محدودیتی وجود ندارد. وقتی روی استیج اجرا می‌کنید، می‌توانید کارهایی را انجام دهید که در زندگی معمولی نمی‌توانید. روی استیج می‌توانید غیر طبیعی باشید، ولی کسی متوجه نخواهد شد. می‌توانید داد بزنید، فریاد بکشید، بالا و پایین بپرید. اگر این کارها را در خیابان انجام دهید مردم فکر می‌کنند که دیوانه شده‌اید ولی روی استیج این بخشی از شخصیت شما خواهد بود. و این چیزی است که من عاشق آن هستم. این حرفه‌ی من است و می‌خواهم بخشی از زندگی من باشد.